



I.I.E.S

ارزیابی گزارش «بحران در مدل کنونی کسب و کار شرکت های نفتی بین المللی»:

فرصتهایی برای شرکت های ملی نفت کشورهای نفت خیز

دیدگاهها و تحلیل ها

شماره ۲۷

گردآوری و ارزیابی: محمدصادق جوکار

تهران - خیابان ولیعصر - روبروی پارک ملت -

خیابان سایه - پلاک ۶۵

تلفن: ۲۷۶۴۴۳۲۹ صندوق پستی: ۴۷۵۷-۱۹۳۹۵

آدرس اینترنتی:

energydiplomacy.iies.ac.ir

مقدمه

«چشم‌انداز فعالیت تجاری شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی - نظیر بی‌پی، شورون، اکسون‌موبیل و توتال - در ابهام قرار دارد. آنچه مدل کسب‌وکاری که این شرکت‌ها را در قرن بیستم سرپا نگه می‌داشت، دیگر برای این هدف کارآمد نبوده و این شرکت‌ها با انتخاب گزینه‌های مدیریت کاهش تدریجی فعالیت از طریق کوچک کردن خود و یا با خطر فروپاشی سریع با تلاش در تداوم شیوه کسب و کار فعلی روبرو بشوند.» این گزاره مهمترین نکته پژوهشی گزارش از موسسه چاتم‌هاووس به قلم پل استیونس در مورد مدل فعالیت‌های شرکت‌های بین‌المللی نفتی است که در این گزارش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ظاهراً اینگونه بیان می‌شود که مهمترین مشکلات شرکت‌های بزرگ نفتی بر ۲ موضوع الف) کاهش قیمت نفت و ب) تعهد روزافزون جهانی در برخورد با موضوع تغییرات اقلیم متمرکز می‌باشد. اما اگر عمیق‌تر بیندیشیم، عامل اصلی معضلات شرکت‌های بین‌المللی نفت مرتبط با ۲ موضوع فوق نیست که بر روی آن کنترلی ندارند. فقط مشکلات اصلی آنها به دلیل کاهش قیمت و برجسته شدن موضوعات تغییر اقلیم، به نسبت گذشته عمیق‌تر و گسترده‌تر شده‌اند. در حقیقت، حتی پیش از تقویت تعهد دولت‌ها به موضوعات کنترل کربن و تغییرات اقلیم و کاهش شدید قیمت نیز این شرکت‌ها دارای بحران عمیقی بودند. مشکل اصلی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در «ناکارآمدی مدل کسب و کار گذشته آنها» می‌باشد. مدل کسب و کار گذشته آنها در حقیقت از بین رفته و نمی‌تواند در شرایط کنونی بازار بین‌المللی انرژی همانند گذشته کارآمد باشد. نشست کارشناسی جمعی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی در ابتدا تلاش کرده است تا پایه‌های سه‌گانه بنیادین مدل گذشته کسب و کار شرکت‌های بزرگ بین‌المللی مندرج در گزارش را بیان کرده و سپس با نشان دادن بحران در هر یک از این پایه‌ها، مشکلات اصلی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نشان داده شود.

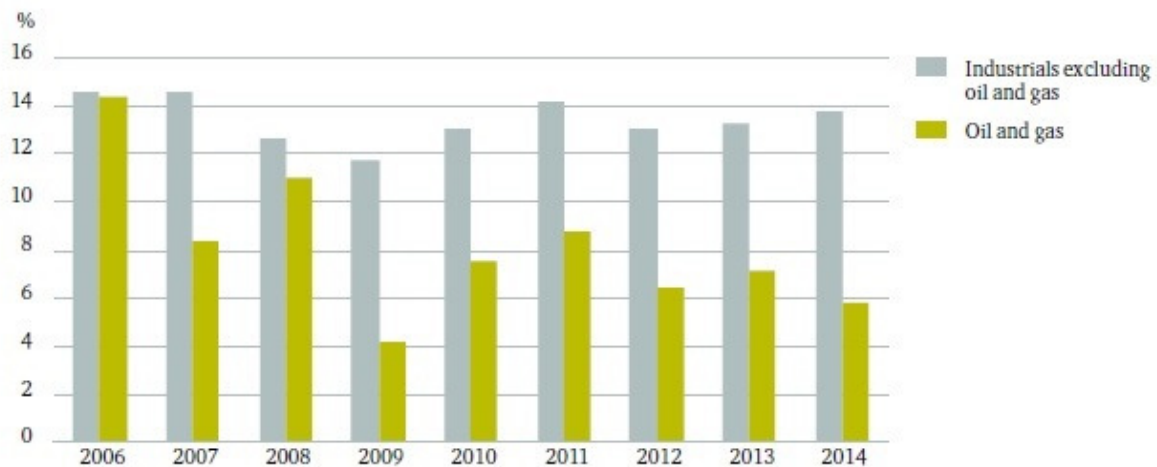
پایه‌های سه‌گانه مدل فعلی کسب و کار شرکت‌های نفتی بین‌المللی و بروز بحران در آن

پایه‌های سه‌گانه مدل کسب و کار شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی عبارت بودند از الف) بازگشت حداکثری سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها، ب) بوک کردن ذخایر انرژی میادین بزرگ نفتی در حال توسعه خود برای افزایش ارزش سهام‌داران و پ) کاهش هزینه‌های تولید از طریق دارا بودن و سلطه بر لبه تکنولوژی‌های مورد نیاز حوزه انرژی در حوزه‌های کامل نفت از بخش‌های بالادستی تا پایین‌دستی نفت.

اگرچه تا قرن حاضر، هر سه پایه مدل کسب و کار گذشته شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی موفق عمل می‌کردند، اما در حال حاضر با چالش‌های جدی روبرو می‌باشند.

چالش اول: با کاهش قیمت نفت و چشم‌انداز تداوم روند غیر افزایشی آن در کوتاه مدت به دلیل عدم تعادل عرضه/تقاضا عمدتاً به دلیل افزایش شدید نفت نامتعارف، میزان سودآوری فعالیت‌های حوزه نفت و گاز به نسبت دیگر حوزه‌های صنعتی را با کاهش شدیدی مواجه بوده است. اگر نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت در مقایسه با صنایع دیگر در سال ۲۰۰۶ برابر با ۱۴ درصد در هر دو بخش بود، این نرخ در سال ۲۰۱۴ در بخش صنعت نفت کمتر از ۶ درصد بوده در حالیکه در صنایع دیگر نزدیک به ۱۴ درصد باقی مانده است. این بدین معنی است که سرمایه‌ها به سمت حوزه‌های دیگر و سودآور صنعت رو خواهند آورد و از صنعت نفت فاصله خواهند گرفت.

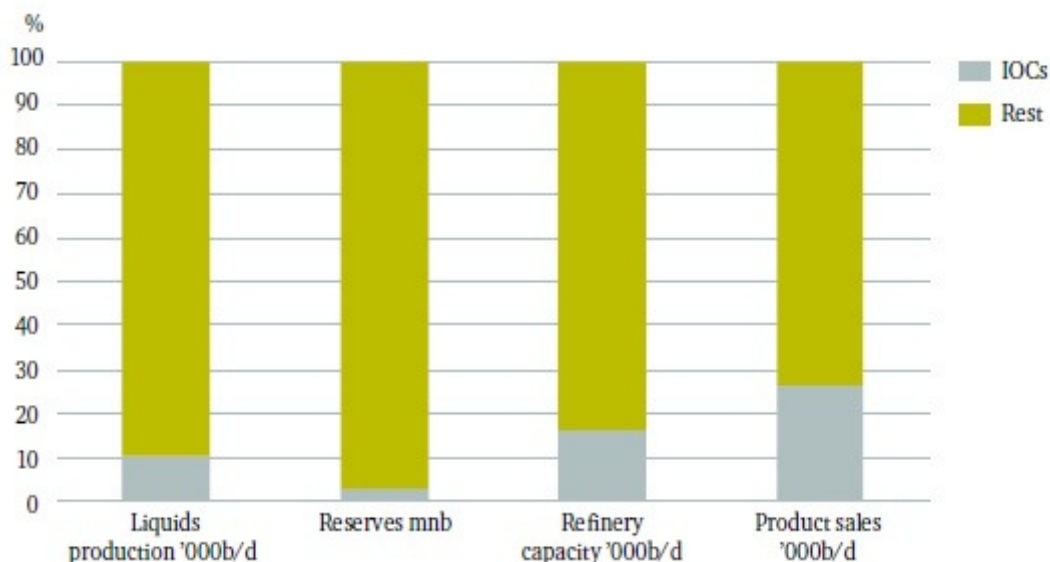
درصد بازگشت سرمایه‌گذاری بین سال‌های ۱۴-۲۰۰۶ در صنایع نفتی و غیرنفتی جهانی



Source: Who owns big oil, 2015.

چالش دوم: برخلاف قرن بیستم که شرکت‌های بزرگ نفت بر بخش اعظم ذخایر و تولید نفت و فرآورده‌های نفتی جهان تملک داشتند، هم اکنون این مالکیت به ضرر شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به نفع شرکت‌های نفتی ملی در حال تغییر می‌باشد. در حال حاضر حدود ۱۰ درصد تولید نفت جهانی، کمتر از ۳ درصد ذخایر نفتی جهانی، ۱۷ درصد از ظرفیت پالایشی جهان و ۲۶ درصد از فروش فرآورده‌های نفتی جهان در اختیار شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفت قرار داشته و مابقی در اختیار شرکت‌های ملی می‌باشد. این امر سبب شده است که موضوع بوک کردن ذخایر میادین بزرگ در حال توسعه بوسیله شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی نیز ناممکن گردد زیرا شرکت‌های ملی سعی می‌کنند که میادین بزرگ و مستقر در خشکی را خود توسعه داده و عمدتاً میادین دارای دشواری ساختاری و فنی مستقر در فلات قاره و پرهزینه برای تولید را به شرکت‌های بزرگ بین‌المللی انرژی پیشنهاد نمایند. از اینرو پایه دوم مدل کسب و کار گذشته این شرکت‌ها برای افزایش ارزش سهم آنها در بازار بورس از طریق بوک کردن ذخایر تحت کنترل، نیز با تهدید جدی روبرو گردد.

سهم شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی از ذخایر، تولید نفت خام و فرآورده و فروش فرآورده جهانی



چالش سوم: وضعیت بازار بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که هم اکنون لبه تکنولوژی در همه حوزه‌های صنعت نفت در اختیار شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی قرار نداشته و شرکت‌های زیاد و کوچک عمدتاً مرتبط با نهادهای دانشگاهی و تحقیقاتی در حوزه‌های خاصی و محدودی از صنعت نفت دارای لبه فناوری باشند. روند توسعه نفت و گاز شیل در ایالات متحده نشان از اهمیت نقش و جایگاه این شرکت‌های کوچک، زیاد و فوق‌العاده تخصصی در یک حوزه فعالیت خاص دارد. حتی وضعیت به جایی رسیده است که شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی نیز در برخی از بخش‌های تخصصی فعالیت خود به انعقاد قرارداد یا این شرکت‌های کوچک و بهره‌گیری از توان آنها رو آورده‌اند.

این سه موضوع فوق سبب شده است که مدل گذشته کسب و کار شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی نابود شده و برای حل مشکلات خود می‌بایست اقداماتی از قبیل موارد ذیل را در پیش بگیرند:

۱. کوچک شدن و کاهش هزینه‌ها تا زمانی که قیمت نفت مجدداً رشد نماید.
۲. در پیش گرفتن ادغام‌های بزرگ
۳. خرید و کسب مالکیت شرکت‌های کوچک اما تخصصی در شرایط کنونی که با کاهش قیمت نفت با مشکلات مالی بازگشت سرمایه به نهادهای سرمایه‌گذار روبرو می‌باشند.
۴. متنوع سازی بیشتر پورتفولیوی فعالیت خود.
۵. تمرکز تقریباً انحصاری فعالیت‌های نفتی خود در کشورهای OECD
۶. تولید مجدد فنآوری و کسب مجدد این ویژگی که لبه تکنولوژی در حوزه‌های مختلف صنعت نفت در اختیار شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی قرار گیرد.

آیا وضعیت بحرانی مدل فعالیت شرکت‌های بین‌المللی نفتی فرصتی برای شرکت‌های ملی نفتی است؟

در شرایط کنونی، شرکت‌های ملی می‌توانند در برنامه توسعه‌ای خود، با شناخت فضای دشوار کنونی برای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، از آن به عنوان فرصتی به سود خود بهره‌برداری نمایند:

اولویت واگذاری میادین برای توسعه به شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، میادین با پیچیدگی فنی و پرهزینه است. می‌توان میادین بزرگ کم هزینه برای تولید را توسط شرکت ملی نفت کشور به عنوان مدیر پروژه با استفاده از شرکت‌های نفتی با کیفیت کوچک و تخصصی خارجی و یا استفاده از توان شرکت‌های داخلی در همکاری مشترک با این شرکت‌های با کیفیت و کوچک خارجی توسعه داد. در حقیقت، لبه تکنولوژی دیگر دست شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی نبوده و این شرکت‌های کوچک و با کیفیت خارجی، پتانسیل‌های خوبی برای انتقال فناوری به داخل را فراهم می‌آورند.

شرکت‌های کوچک و با کیفیت خارجی که دارای تکنولوژی‌های خاص «بخشی» هستند، عمدتاً بخاطر موضوعات مالی، امکان همکاری مشترک بیشتری با شرکت‌های ملی نفت و یا شرکت‌های خصوصی داخلی دارند و علاوه بر آن دارای رویکرد انحصارگرایانه کمتری نسبت به شرکت‌های بزرگ نفتی در زمینه انتقال تکنولوژی می‌باشند.

توجه نماییم شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی که در حال حاضر به دلیل اینکه با مشکل ارائه پروژه‌های با دشواری فنی و با ریسک بالای بازگشت سرمایه مواجه هستند، عمدتاً تلاش می‌کنند بجای پذیرفتن این پروژه‌های دشوار به بخش EOR پروژه‌های فعال کنونی در کشورهای تولید کننده که دارای ریسک اقتصادی کمتری است متمرکز شوند: این درحالی است که شرکت‌های ملی این کشورها می‌توانند در بخش‌های EOR، حفاری، پالایش و... به صورت بخشی از توان شرکت‌های

باکیفیت و کوچک بین‌المللی که راه‌های بهتری به نسبت شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی برای مشکلات مهم شرکت‌های ملی نفت ارائه می‌کنند، استفاده نمایند.

در صورتی که به دلایل خاصی - نظیر استفاده از توان سیاسی تاثیرگذاری شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی بر اراده سیاست‌های خود در عدم اعمال فشار سیاسی در دوره پسا تحریم - علاقمند به دادن مجوز توسعه میداین بزرگ و با ریسک اقتصادی پیچیدگی فنی کم به شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفتی می‌باشیم، توجه نماییم که «توسعه میداین نفتی بزرگ و احتمالاً مستقر در خشکی که با دشواری فنی و ریسک اقتصادی کمی روبرو بوده به وسیله شرکت‌های بزرگ بین‌المللی امتیاز بزرگی است که به این شرکت‌ها داده می‌شود زیرا می‌توانند بر پایه مدل سنتی کسب و کار خود - سه گانه فوق‌الذکر - از آن استفاده نمایند. در این شرایط می‌توان این مزیت را با ایجاد رقابت بین این شرکت‌ها و کسب حداکثر امتیاز سیاسی و اقتصادی از شرکت‌های بین‌المللی رقیب، واگذار کرد.»